

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پویان
۱۰ فیبروری ۲۰۲۲

حمایت ریاکارانه اتحادیه اروپا از زنان ستمکش افغانستان در عین بند و بست با فاشیسم طالبانی

برگشت گروه اجبر طالبان به قدرت، محصول تبنانی و توطئه مشترک امپریالیست های اشغالگر سازمان جنایتکار نظامی ناتو متشکل از دول امپریالیستی امریکائی - ناتوئی و شرکای تجاوز و اشغالگری شان با ارتجاع اسلامی منطقه به ویژه با حاکمان آزمنند و توسعه جوی کشور پاکستان، است. قبل از انتقال قدرت به این گروه، این مسأله طی موافقتنامه ای با وساطت و میزبانی دولت مرتجع قطر در جریان مذاکرات بین نماینده امپریالیسم امریکا و نمایندگان گروه طالبان مستقر در کشور قطر (بخوان با نماینده اربابان پاکستانی گروه به تمام معنی مزدور و خودفروخته طالبان) رسمیت یافت.

یکی از ویژگی های نیرو های ارتجاعی، مستبد و ضد دموکراتیک و مزدور و دولت و نیروی های امپریالیستی، پنهان نگه داشتن مسائل و عدم شفافیت در مورد سرنوشت جمعی ملی و اجتماعی خلق ها، تحمیل نظام های مزدور و ضد مردمی خودساخته بر دوش ملل و خلق های کشور های تحت سلطه امپریالیسم و اتخاذ تصمیم در پشت در های بسته پیرامون مسائل حیاتی و سرنوشت ساز ملی و اجتماعی کشور ها است. توافقنامه دوحه نیز میان نمایندگان امپریالیسم امریکا و طالبان - دولت پاکستان بر همین سیاق امضاء، تنفیذ و اجرائی شد.

درست بر پایه همان توافقنامه امضاء شده که مفاد آن در مورد انتقال قدرت و مسوولیت های دو جانبه از دید مردم افغانستان، میدیا و روشنفکران و سیاسیون غیروابسته کشور پنهان ماند، انتقال بدون ممانعت و اصطکاک قدرت پوشالی از دولت مزدور "غنی" خائن به مزدوران تمامیتخواه و دارای رویکرد و گرایش فاشیستی و شوونیستی طالبان مهندسی شده و طبق برنامه از پیش تعیین شده اجرائی شد.

دول عضو سازمان نظامی ناتو و اتحادیه امپریالیستی اروپا در نقش متحدان فرمانبر و مطیع دولت امپریالیستی امریکا، در جریان یا حاشیه مذاکرات، امضای توافقنامه و طرح انتقال بدون مقاومت قدرت از دولت غنی به طالبان و سپردن تعهدات دوجانبه، قرار داشتند و با اتفاق آراء ضمن شناخت قبلی از سیاست ها و رویکرد های امارت اسلامی و جنایت های گروه طالبان، با به قدرت رسیدن طالبان رضایت دادند و تصمیم برادران مهتر یانکی را صحه گذاشتند.

طبق گزارش سایت دری "یورونیوز"، زمانی در آستانه انتقال قدرت و پیشروی موجوار طالبان در افغانستان به سوی کابل، جوزپ بورل، رئیس دستگاه سیاست خارجی اتحادیه اروپا سه روز قبل از فرار غنی دلکک شامگاه پنجشنبه دوازدهم اگست ۲۰۲۱ با صدور بیانیه ای ضمن "درخواست مجدد از طالبان برای توقف خشونت ها و بازگشت فوری

به مذاکرات صلح"، به طالبان چنین هشدار داد: "اگر آن‌ها با زور به قدرت برسند و امارت اسلامی را بار دیگر برپا کنند، حکومت آن مورد شناسایی دیپلماتیک قرار نخواهد گرفت و منزوی خواهند شد، کمک بین‌المللی دریافت نخواهند کرد و با چشم انداز یک جنگ طولانی و ناپایداری عمیق در افغانستان رو به رو خواهند بود." آن زمان "نماینده دیپلوماسی اروپا" جوزپ بورل "حملات طالبان را نقض آشکار تعهد این گروه بر مشارکت در گفت و گو های روند صلح دوحه توصیف کرده و هشدار داده بود که "... اعطای کمک‌ها، به حل و فصل صلح آمیز و فراگیر مخاصمه مشروط است".

به رغم این پنهانکاری و موجودیت "تعهدات" پنهانی دو جانبه، به ویژه توسط طالبان به اربابان امپریالیست اروپایی و امریکایی‌شان، هم دول عضو اتحادیه امپریالیستی اروپا و هم دولت امپریالیستی امریکا برای کاستن از فشار پائینی از جانب توده‌ها، مدافعان زنان و نیروهای مترقی جوامع اروپایی و امریکای شمالی (امریکا و کانادا)، اغوای زحمتکشان و افکار عامه زنان و مردان معترض آن جوامع، در هفته‌های اخیر دست به یک سلسله تحرکات سیاسی - دیپلماتیک چند منظوره زدند.

نخستین تحرک از این دست پنج ماه پس از انتقال قدرت به مزدوران طالبان توسط دول امپریالیستی عضو سازمان ناتو به رهبری امپریالیسم امریکا، جلسه‌ای بود به میزبانی دولت ناروی میان هیأت ۱۵ نفری طالبان و نمایندگان دول اروپایی و امریکا و حضور سمبولیک و نمایشی زنان و مردانی از میان مزدوران تربیت شده "مدنی" ساخت امریکا به تاریخ سوم دلو ۱۴۰۰ش (۲۳ جنوری ۲۰۲۲م). این جلسه مقدماتی به گونه‌ای برگزار شد که از دید رسانه‌ها به دور و مخفی ماند. طبق اخبار، انتقال هوایی و میزبانی از هیأت طالبان و چند مزدور دیگر از "جامعه مدنی"، حدود ۷۰۰ هزار یورو خرج برداشت. هر چند این کنفرانس برای دو طرف دستاورد ملموسی نداشت، اما در نوعش تلاشی آشتی جویانه، گشایش راه و اعتراف بر "وجود عملی" (de facto) و نه "قانونی - رسمی" (de jure) "امارت اسلامی طالبان" به عنوان واقعیت میدانی، از سوی دول غربی بود.

هدف دولت ناروی و سایر دول امپریالیستی اروپایی و امریکایی از تدویر چنین جلسه‌ای، به قول نشریه "ایندپندنت"، چنین بود که "با شناسایی "دی فاکتوی" طالبان، یک پدیده موقت را به واقعیتی بادوام ارتقاء دهند" و "... اندک اندک زمینه را برای شناسایی رسمی طالبان به عنوان دولت جدید افغانستان آماده کنند، بی آن که آنان را به پذیرفتن حداقلی از رفتار یک دولت قانونمند وادار سازند".

در رسانه‌ها گزارش شد که سازمان سیای امریکا گرداننده اصلی جلسه اسلو بود و نقش دولت ناروی در آن بیشتر سمبولیک بود. خانم هدا خموش چهره ناشناخته با افکار مشابه "جامعه مدنی" نیز به "نماینده‌گی" از "زنان معترض کابل" توسط دولت امپریالیستی ناروی و هم‌تا‌های اروپایی - امریکایی اش به این جلسه دعوت شده و مخارج سفر و اقامت وی پرداخته شده است. در سخنرانی آشتی جویانه اش بدون خط‌کشی میان روش و منش فاشیستی، شوونیستی و تبعیضی امارت توحش اسلامی طالبان و زنان و مردان تحت ستم افغانستان، فهرستی از خواسته‌های دیکته شده را از موضع "جامعه مدنی" سازشکار و "فعالان زن" مطرح کرد. هدف دول امپریالیستی شرکت کننده در این کنفرانس، آن گونه که پنج ماه قبل مزدوران طالبان را بر مقدرات ملی و اجتماعی مردم افغانستان تحمیل کردند، این بار نیز مزدوران "مدنی" تربیت یافته خویش را ظاهراً از جنس دیگری، اما با عین ماهیت مزدوری با نیت "موج سواری"، بر زنان و مردان مظلوم و معترض افغانستان تحمیل کنند.

تحرک دوم دول ریاکار اروپایی حامی طالبان، پشتیبانی ریاکارانه پارلمان اروپا و دلقکانی چند، از زنان ستمکش افغانستان بود. دولت‌های امپریالیستی متجاوز اتحادیه اروپا و دو دولت امریکای شمالی حدود پنج ماه قبل با برنامه قبلی

و توافق شده میان همه جوانب درگیر، قدرت پوشالی را از دولت مزدور غنی به گروه خودفروخته و اجبر طالبان با سیاست های فاشیستی و تبعیض پسندانه و با شوونیسم قومی و جنسی سپرده و زان پس تا امروز منفعلانه و در کمال بی تفاوتی در قبال این سیاست ها و مواضع فوق الذکر طالبان و "امارت" مرتجع اسلامی اش و رنج و آلام فزاینده توده های تحت ستم به ویژه زنان بی حقوق و مظلوم افغانستان عملاً نظاره گر بوده اند. سرانجام پس از ماه ها نظاره گری بر اجحاف و جنایت رفته در حق مردم مظلوم و بی‌نوا، برگزاری نخستین روز جلسه ویژه پارلمان اروپا زیر نام "روز های زنان افغان" توسط دول اروپائی در هماهنگی با سیاست ها و تحرکات دولت امریکا و با پیروی از دستاویز قصر سفید، به روز های سه شنبه و چهارشنبه دوم و سوم ماه فبروری در بروکسل پایتخت بلجیم بود. این یک نمایش مضحکی در مقر اتحادیه اروپا بود.

در این مضحکه دو روزه پارلمان اروپا، نمایندگان پارلمان اروپا و نمایندگان شماری از سازمان های جهانی همکار و مؤید این دول امپریالیستی اشتراک ورزیده بودند. تعدادی از مزدوران "مدنی" دستپورده امپریالیست های اشغالگر امریکا و اروپا شامل چند زن و مرد خودفروخته افغان با دوسیه های فساد به شمول "سیما سمر" "شهرزاد اکبر" دو رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر، "ظریفه غفاری" شهردار پیشین میدان شهر، "آریانا سعید" خواننده قراردادی ناتو، "صحرا کریمی" رئیس پیشین افغان فلم، در دولت مزدور محصول اشغال افغانستان شرکت کرده اند.

"سیما سمر" و "شهرزاد اکبر" دو رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر در دولت سلف طالبان، با داشتن دوسیه های فساد اداری، سوء مدیریت و ارتشاء و اختلاس؛ خود از جمله ناقضان حقوق بشر اند. افزون بر این، این دو مزدورک پوشالی امپریالیسم قاتل و اشغالگر، برای سکوت ننگین و خائنانه شان در برابر جنایت و کشتار عامدانه ۲۰ ساله امپریالیست های اشغالگر و ستمگری و تعدی مزدوران دولتی و جنگسالاران زورمند مورد حمایت اشغالگران افغانستان، در دادگاه عدالت مردم افغانستان و در محکمه منصف، سزاوار محاکمه و محکومیت عادلانه اند. دو مزدور فرهنگی امپریالیسم شامل "آریانا سعید" خواننده قراردادی ناتو و "صحرا کریمی" در بخش هنری برای سرگرم ساختن جوانان و دور نگه داشتن آنان از سیاست، ترویج ابتذال فرهنگی و خوی دادن مردم با سلطه امپریالیسم زورگوی در ازای پول، در خدمت اهداف استعماری و سلطه اسارتبار امپریالیسم افغانستان بوده اند. "ظریفه غفاری" شهردار پیشین میدان شهر با منصب پردرآمد فساد پذیر هم در عین گناه خدمت به اشغالگران و وطنش و قاتلان مردمش در آن مقام اداری، نمی تواند بری از فساد ذاتی و نهادینه شده در دولت قبلی، از آن بیرون آید. این عروسک ها و ملعبه های "مدنی" امپریالیسم، در این اجلاس رسوای اربابان اروپائی خود و طالبان، حرف های گنده تر از دهان و بالاتر از عقل قاصر خود زدند که خیلی مسخره بود: "کمک رسانی به افغانستان جدا از مسأله رسمیت یافتن دولت طالبان است". این مزدوران هفته فهم تا هنوز هم ملتفت نشده اند که پروسه شناخت عملی "امارت اسلامی" طالبان از سوی دول "غربی" به اضافه دول "شرقی"، قبل از دعوت شما مزدوران بی خرد به بروکسل آغاز شده است.

دول امپریالیستی امریکا و اروپا به عنوان حامیان بیرونی طالب، مسؤول ستم و جنایت طالب و کلیه سیاست های ضد ملی و ضد مردمی و شوونیسم قومی - جنسیتی این گروه شمرده شده و از آن مبری نیستند. با این دوسیه ضخیم جرمی، هدف از اعلام ریاکارانه "روز های زنان افغانستان" در پارلمان اتحادیه امپریالیستی اروپا با دول و ارتش های اشغالگر در مدت ۲۰ سال اشغالگری و کشتار ستمکشان افغانستان، باز هم این دول اشغالگر و حامی جنایتکاران و فاشیست های طالبان زیر فشار افکار عامه و اعتراض نیرو های مترقی، قصد اغواگری داشته اند. این شرکای اروپائی جرم و جنایت گروه خون آشام طالبان به گونه اجلاس ماه قبل اسلو، ریاکارانه حمایتی دروغین از زنان محکوم و دربند افغانستان را برای اغفال افکار عامه، به راه انداخته اند که از بدو امر تا حال جنبه مصرفی داشته است.

دول امپریالیستی اروپا با این نمایش مضحک و حمایت دروغین از زنان ستمکش افغانستان، در عین کاستن از التهاب موجود مردمی در غرب، برای تحت فشار گذاشتن طالبان و تعدیل و نرمش سیاست های خشن و تمامیتخواهانه این گروه مزدور و مرتجع اقتدارگرا، نشان دادن چراغ سبز به این گروه برای ادامه این نوع مذاکرات در آینده، بازکردن راه آشتی میان مزدوران فعلی و قبلی و نمایندگان طبقات حاکم کشور و توحید آنان در حاکمیت طبقاتی واحد، هموار ساختن جاده برای ایجاد دولتی "فراگیر" به رهبری طالبان، جلوگیری از رادیکال شدن اعتراض ها، مهار اعتراضات بالقوه زنان و مردان تحت ستم و استثمار افغانستان و سمت و سو دادن به آن؛ چند مزدور مدنی و زنان بزک کرده را به روی سٹیژ آورده اند.

آخر عقل سلیم چگونه قضاوت خواهد کرد که دولت هائی که طی این بیست سال در افغانستان زنان و مردان زحمتکش مظلوم، بی حقوق و بینوای افغانستان را با بمباردمان، با فقر تحمیلی و توسط مزدوران دولتی و طالبی و زورمندان مورد حمایت شان کشته و مجروح کرده و از حداقل حقوق مسلم انسانی شان محروم کرده اند و آخر سر مقدرات آنان را دو دسته تقدیم فاشیست ها و شوونیست های انحصارگر و ستمگر طالبان کرده اند؛ چگونه می توانند پشتیبان راستین و جدی زنان و مردان مظلوم افغانستان باشند؟؟ هرگز!!!

در همین همایش حمایت کاذب از زنان ستمکش افغانستان در مقر پارلمان اروپا، آریانا سعید، هنرمند اجاره ئی ناتوی جنایتکار که صبح در آغوش امریکا می خفت و شب در آغوش ناتو و در ازای ریختن هنرش در پای خوکان، دل به دالر و یورو بسته و ایمان آورده بود و سرآمد همه خودفروختگان بود، وقیحانه چنین گفت: "من در این جا تنها از خودم نمایندگی نمی کنم، بل از تمام زنان و دختران افغان که صدای شان خاموش است و هویت شان گم است، نمایندگی می کنم". بدا به حال زنان افغان که آریانا سعید آنچنانی از آنان نمایندگی کند!!!

این مزدورک هنری که ۲۰ سال ترویج ابتذال هنری و اخلاقی را در کارنامه دارد، با اشغالگران در مغازه بوده، زیر دهل اشغالگران رقص "مدنی" کرده و راه درازی را برای انس دادن دختران و پسران افغان برای دوستی با اشغالگران پیموده و الگو و الهام بخش زنان و دختران ناآگاه زیادی در جاده ابتذال و خودفروختگی بوده است؛ حال چگونه می تواند صدای "زنان و دختران افغان که صدای شان خاموش است و هویت شان گم است"، نمایندگی کند. این مزدورانی که در فوق اسامی شان آمد، مزدورانی شناخته شده و سرمه های آزموده اند و هرگز در عین خود فروختگی و رقصیدن به ساز دهل امپریالیسم و در عین حال مماشانات با ستمگری و تبعیض فاشیست های طالبان، نمی توانند زنان مظلوم و معصوم افغانستان را نمایندگی کنند.

این چنین ادعا هیچ ارزشی ندارد و فقط بیانگر اوج وقاحت مزدورکی بی آزر است. در این رابطه شایان ذکر است که تمام زنان و مردانی که در جریان دو نوبت تجاوز و اشغالگری مستقیم سوسیال امپریالیستی و امپریالیستی، به ویژه در ۲۰ سال اخیر اشغالگری امریکا - ناتو به کشور ما، به اشغالگران خدمت کرده و به مادر میهن و فرزندان آن (خلق کشور) پشت و خیانت کرده اند؛ لازم است که قبل از پرداختن به هر مسأله ای، در پیشگاه مردم ستمدیده، ولی سلحشور افغانستان از اعمال ننگین و خائنانه خود پوزش و مرحمت بخواهند و با نیت جبران مآفات، صادقانه به صف خلق بگریند تا ببینند که دآوری مردم در حق آنان چه خواهد بود.

در تازه ترین تحرکی مسخره و رسوای اخیر، نماینده اتحادیه دول جنایتکار اروپائی مدافع طالب، نقاب تزویر و ریا را به دور انداخته و حرف های نهانی را گفته، چهره نمایانده و از زد و بند با مزدوران طالب پرده برداشته و اعتراف کرده که میان آنان و امریکا با طالبان در دوحه پای "تعهد" پنهانی در میان بوده است.

به گزارش اسپوتنیک، به تاریخ ۷ فیبروری توماس نیکلسون، نماینده ویژه اتحادیه امپریالیستی اروپا برای افغانستان در واکش به بازداشت زنان معترض توسط طالبان گفته که بازداشت خودسرانه شهروندان در تضاد با تعهد طالبان مبنی بر حمایت از حقوق بشر است. این نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان یکشنبه ۱۷ دلو/ ۷ فیبروری طی توییتی نوشته است که "بازداشت و ناپدید شدن شهروندان، ادعای طالبان را در باره این که حکومت موقت آنان متعلق به مردم است، نیز تضعیف می کند." ادعای فوق توماس نیکلسون به نمایندگی از اتحادیه دول امپریالیستی، متجاوز و ریاکار اروپائی، به خودی خود مبرهن می سازد که بین نمایندگان امریکا، اتحادیه اروپا و نمایندگان طالبان در دوحه پای "تعهد طالبان" به اربابان امپریالیستی اش دور از چشم مردم افغانستان و رسانه ها در میان بوده است؛ که اتحادیه اروپا یکی از چهار رکن سپردن چنین تعهداتی توسط نمایندگان طالبان بوده است؛ تعهدی که طالبان با رسیدن به سریر امارت، حال به آن پشت پای می زنند و چنین تخلف مزدوران طالبان اعتراض مصلحتی اربابان اروپائی شان را برانگیخته است.

این ادعا در عین حال می رساند که طالبان هنگام سپردن تعهد به امریکائی - اروپائی ها آگاهانه ژست جدی به خود گرفته و اربابان نیز ادعای مزدوران خون آشام و جنگلی طالبان را به گونه جدی پذیرفته و منافقانه یا ابلهانه قبول کرده بودند که طالبان "تغییر کرده اند". یعنی این که دول اروپائی حامی گروه طالبان ادعای این گروه ریاکار را که "حکومت موقت آن متعلق به مردم" است، ساده لوحانه پذیرفته بودند، ولی حال در پرتو سیاست ها و عملکرد های طالبان و امارت اسلامی این گروه بزودی مشاهده کردند که حنای تقلبی چنین "تعلق به مردم" چندان رنگ نگرفته و رنگ می بازد.

امپریالیسم یعنی حامی ارتجاع، دروغ، دو روئی، ریا، تزویر، پنهانکاری، عدم شفافیت، ستم و استثمار، تجاوز، جنگ و سرکوب. امپریالیسم و ارتجاع با هم درهم تنیدگی و سرشت و منافع مشترک دارند؛ در برابر انقلاب و آزادیخواهی و گرایش مترقی از موضع ارتجاعی و بازدارنده با هم متحد اند. امپریالیسم، این نیروی اهریمنی و ستمگر برای دسترسی به سود و منابع مورد نیاز و منافع دائمی اش با شقی ترین نیروهای تاریخ همدستان شده و به هر جنایتی دست یازیده، آن را توجیه کرده و برای آن برهان و بهانه می تراشد. ارتجاع بومی کشور های تحت سلطه، از جمله ارتجاع بومی کشور ما در طول تاریخ به ویژه مرتجعان شیفته قدرت "خلق - پرچی" و اخوانی جهادی - طالبی در بیش از چهار دهه اخیر در پی دستیابی به قدرت پوشالی چهار روزه، دسته کارد استعمارگر، سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم شده و در نقش راه بلد، شریک دزدی رهنان متجاوز بیرونی بر این حریم شده اند. این است در هم تنیدگی ارتجاع با استعمار و امپریالیسم.

آزادی زنان و مردان تحت ستم و استثمار افغانستان تحفه اهدائی امپریالیست های قاتل و جنایتکار نه، بلکه حاصل مبارزه آگاهانه و متحدانه زن و مرد زحمتکش استثمارشونده و ستمکش کشور است. این رهائی ملی و اجتماعی زنان و مردان جفاکش و بی حقوق کشور و رسیدن جمعی آنان به سلطه و سروری تاریخی، با موج سواری مزدوران مدنی امپریالیسم و چند زن بزک کرده فرستاده شده به روی سنیژها و کنفرانس های دشمنان تاریخی و وحدت طبقاتی زحمتکشان و استثمارشوندگان تحقق یافته نیست. این رهائی با پیشتازی و رهگشائی پیشاهنگ زحمتکشان در پیشاپیش صفوف خلق از طریق اتحاد مبارزاتی و طبقاتی زنان و مردان تحت ستم در یک راهپیمائی تاریخی، طولانی و پرشکنج، میسر است.

رهائی اجتماعی زنان کشور در گرو آگاهی و انسجام مبارزاتی توده های تحت ستم است!